

جایگاه دلال و دلالی در دوره قاجار زهره شیرین‌بخش^۱

چکیده

شناخت بازار و وجوه مختلف آن را می‌توان عرصه‌ای پراهمیت در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی از جمله ایران‌شناسی دانست. یکی از جنبه‌های مهم مطالعاتی در این حوزه، سازمان اقتصادی و نظام دادوستد بازار است که در آن حرفه‌ها و مشاغل مختلف در شبکه‌های تولیدی، توزیعی و خدماتی بازار استقرار می‌یافتند و فعالیت می‌کردند. از جمله گروه‌های فعال در این سازمان که در عملیات واسطه‌ای توزیع کالا و خدمات نقشی مهم داشته‌اند، دلالان هستند. پژوهش پیش‌رو باتوجه به سابقه حضور طولانی مدت دلالان در بازارهای ایران و نیز وجود انگاره‌های منفی درباره آنان در زمان حاضر، درصدد است تا از منظر تاریخی به تبیین و ارزیابی ویژگی‌های شغلی و اجتماعی و به تبع آن، واکاوی ریشه‌های چنین انگاره‌هایی بپردازد. از این‌رو، مسئله اصلی مقاله معطوف به واکاوی حضور و جایگاه اقتصادی دلالان در نظام توزیع بازار و مختصات اجتماعی و فرهنگی این قشر در دوره قاجار است. رویکرد روشی انجام این پژوهش کیفی بوده و داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای - اسنادی گردآوری شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که دلالان با آنکه از لحاظ موقعیت و پایگاه شغلی از گروه‌هایی چون تجار فاصله داشتند، از جمله عوامل مؤثر در ساختار اقتصادی بازار بودند و در شاخه‌های مختلف دادوستد فعالیت می‌کردند. همچنین شهرت آنان به صفات ناپسند اخلاقی و اجتماعی پدیده‌ای جدید نبوده و سابقه‌ای تاریخی داشته است. این شهرت را می‌توان تا اندازه زیادی معلول عملکرد شغلی آنان دانست.

واژه‌های کلیدی: قاجار، بازار، دلالی، دلال، مالیات، پایگاه اجتماعی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

۱. استادیار گروه هنر و ادبیات ایران، بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران.

Zohreh.shirinakhsh@iranology.ir

مقدمه

فعالیت‌های تجاری در بازار در حوزه خریدوفروش در سه سطح مهم و اصلی جریان داشته است؛ نخست، تجارت عمده به صورت خریدوفروش کالا در مقیاس وسیع که توسط تجار بزرگ صورت می‌گرفت. دوم، عمده‌فروشی که در داخل راسته‌های اصلی جریان داشت و سوم، خرده‌فروشی که مرحله مبادله مستقیم کالا بین خریدار و فروشنده و آخرین مرحله در روند دادوستد کالا در بازار بود (جباری، ۱۳۷۹: ۶۹). از منظر عملکرد هر یک از گروه‌های فعال در حوزه‌های گوناگون دادوستد کالا و پول در بازار نیز چهار گروه مهم در بازار قابل تشخیص است؛ از جمله: گروه‌های دست‌اندرکار فعالیت واسطه‌گری در بازار شامل دلالی، حق‌العمل‌کاری و بنک‌داری (سرگذشت بازار بزرگ تهران، ۱۳۸۹: ۵۶). دلالان به‌عنوان گروه‌های واسطه‌ای در نظام توزیع بازار فعالیت داشته‌اند. آنان با عملیات ویژه‌ای در دست‌به‌دست شدن کالا از تجار بزرگ به گروه‌های هدف در بازار فعالیت داشته و دارند. مسئله اصلی مقاله ناظر بر شناخت موقعیت و جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دلالان به‌عنوان یک گروه شغلی مؤثر در حیطه توزیع و مبادله کالاها و خدمات در سازمان بازار در دوره قاجار است. این ارزیابی که با استفاده از منابع تاریخی انجام شده است، به این دلیل اهمیت دارد که از دلالان همواره به‌عنوان گروهی یاد می‌شود که مخل فعالیت‌های اقتصادی بوده‌اند و با ایجاد اختلال در فعالیت‌های بازار، به بی‌نظمی و بی‌ثباتی دامن زده‌اند. بنابراین، تبیین تاریخی موقعیت، نحوه فعالیت و ویژگی‌های دلالان، زوایای گوناگونی از فعالیت و حضور آنان را در جامعه روشن خواهد کرد. اهمیت این پژوهش آن است که در میان حوزه‌های ایران‌شناسی، شاید معدود موضوعی را مانند بازار بتوان یافت که از طریق مطالعه و پژوهش در آن، امکان شناخت لایه‌هایی ژرف‌تر و تصویری گسترده‌تر از ماهیت مناسبات اجتماعی ایرانیان فراهم باشد.

اهمیت بازار در فرهنگ و تمدن ایرانی فقط ویژگی اقتصادی ندارد و وجوه اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد و مطالعه مشاغل بازار به‌عنوان جامعه‌ای کوچک، انعکاسی از ابعاد مختلف مناسبات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه شهری ایران در دوره قاجار خواهد بود. در واقع، با مطالعه آن می‌توان به شناختی عمیق‌تر و تصویری نزدیک‌تر به واقعیت از ماهیت مناسبات اقتصادی و اجتماعی دلالان به‌عنوان یک گروه شغلی در دوره قاجار دست یافت؛ گروهی که امروزه نیز نام آنان با اختلال‌گری در عرصه‌های گوناگون چرخه فعالیت اقتصادی ایران همراه است.

پیشینه پژوهش این موضوع در چند حوزه قابل مطالعه است: برخی از سفرنامه‌نویسان دوره قاجار از جمله بروگش (۱۳۶۷)، شاردن (۱۳۷۲) و آنه (۱۳۶۸) با مشاهدات میدانی خود از بازارهای ایران در دوره قاجار، در ترسیم عملکرد دلالت در بازارهای ایرانی داده‌هایی کم‌وبیش درخور ارائه داده‌اند. منابع اولیه دوره قاجار از جمله تحویلدار (۱۳۴۳) و مرآت‌الوقایع مظفری (۱۳۸۶) شامل برخی اطلاعات مختصر درباره حوزه‌های فعالیت دلالت و اقدامات دولت برای تنظیم فعالیت آنهاست. در پژوهش‌های معاصر، اثر ویلیم فلور در حیطه تاریخ اجتماعی (۱۳۶۵) مبحثی درخصوص جایگاه دلالت در نظام بازار و دایره شمول فعالیت آنان دارد. همچنین کتاب بازار و دولت در ایران (کشاورزیان، ۱۳۹۹) به موقعیت و عملکرد دلالت در بازار در دوره معاصر به‌طور مفصل پرداخته است. در حوزه مطالعات حقوقی، برخی آثار مرتبط با جایگاه حقوقی دلالت در تجارت (قهرمانی، ۱۳۸۳) به فهم دقیق‌تر موقعیت و مسئولیت حقوقی این شغل کمک می‌کنند. مقاله «دلال و دلالی» (میثمی، ۱۴۰۱) نیز در نقد نظام توزیع از طریق دلالت و پیامدهای آن از منظر علوم اجتماعی اشارات سودمندی دارد. اما در مجموع، داده‌های مربوط به این موضوع در منابع تاریخی اندک است و همین قلت و محدودیت منابع را می‌توان از جمله موانع اصلی تحقیق دانست.

رویکرد روشی انجام این پژوهش کیفی است و داده‌ها به شیوه اسنادی جمع‌آوری شده‌اند. در این روند به کلیه منابع اعم از منابع دست اول، تحقیقات جدید و اسناد آرشیوی توجه شده است و ضمن برخورداری از ویژگی‌های تحقیق تاریخی، با بهره‌گیری از تحقیقات بین‌رشته‌ای، عملکرد دلالت در دوره قاجار ارزیابی شده است.

تعریف لغوی و اصطلاحی دلال

از لحاظ لغوی، دلال در سه معنی در ادبیات فارسی آمده است: واسطه بین خریدار و فروشنده، واسطه صرف، و دلیل و راهنما و کسی که راه را نشان می‌دهد. اصطلاح «دلال‌بازی» به اقداماتی مثل دست‌به‌دست گرداندن کالا، زیاد کردن واسطه و مبالغه در مرغوبیت جنس اشاره دارد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴: ۳۲۸۲-۳۲۸۳). دلال همچنین در معنی اسم، از مصدر «دل» و به معنی غنچ و ناز در ادبیات فارسی به‌کار رفته است. برای مثال، مولوی از کلمه دلال به همین معنی در این بیت استفاده کرده است: من دلش برده به صد ناز و دلال / او بهانه کرده با من از ملال (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۰۳).

از واژه دلال اصطلاحاتی نیز ساخته‌اند، از جمله: «دلال مظلّمه» که کنایه از فردی است که سبب فساد و آشوب و معرکه است (پورحسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۳) و یا اصطلاح «دلّاله»، مؤنث اسم دلال، به معنای زنی است که برای مردان، زن پیدا کند (معین، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۴۷). دلّاله‌ها گاه برای ایجاد زمینه و صلت بین خانواده‌های غریبه به کار گرفته می‌شدند. گروه دیگری از دلّاله‌ها، زنان کاسب و معتبر بودند. این زنان طاقه شال و مروارید و جواهرات به خانه‌ها می‌بردند. ورود آنان به اندرون منازل، یکی از تفریحات زنان آن دوره بود. آنان در طول انجام معامله که ساعت‌ها طول می‌کشید، از اخبار کلی درون خانه‌ها و از احوال رجال ساکن در آن آگاه می‌شدند (دایرةالمعارف زن ایرانی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۶۶).

تعریف کلمه دلالی از جنبه تجاری و اقتصادی با تعریف عامیانه آن تفاوت دارد. با این حال، در فرهنگ فارسی عامیانه نیز معنای اقتصادی رایج واژه دلال متفاوت است: فردی که به‌ازای حق و حساب کارهایی برای اشخاص انجام می‌دهد و مترادف کارراه‌انداز است (نجفی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۱۱۲). اصطلاح «بازارگردان» به‌عنوان مترادف واژه دلال در برخی منابع ذکر شده است که از لحاظ محتوایی به کارکرد شغل دلالان در بازار به‌درستی اشاره دارد (ماهوان، ۱۳۸۵: ۲۶).

دلالی به معنای وساطت در انجام معاملات، از جمله مشاغلی است که با توسعه جوامع شهری گسترش فراوانی یافته است. در جوامع روستایی به دلیل محدود بودن محیط و امکان انجام مستقیم معاملات توسط مردم، نیاز به دخالت شخص دیگری به‌عنوان واسطه وجود ندارد، اما در جوامع شهری، یافتن طرف‌های مناسب برای یک معامله کار ساده‌ای نیست و واسطه سبب می‌شود انجام معاملات با سهولت و وقت کمتری صورت گیرد (قهرمانی، ۱۳۸۳: ۷۲).

دلالان و زمینه‌های فعالیت آنان

دلالی از جمله مشاغل موجود در بازارهای دوره قاجار بود. پیش از آن نیز حضور دلالان در بازارهای ایران سابقه‌ای طولانی دارد و نقش این گروه به‌عنوان واسطه مبادلات بازرگانی در حوزه‌های مختلف تاریخ ایران همواره مطرح بوده است، از جمله به‌عنوان دلال و متصدی حمل و رانمای کاروان و ترانزیت (بدیعی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۴۷۸)، دلالی چهارپایان (ویلز، ۱۳۶۳: ۳۲۹)، دلالی جواهرات (کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۶۴)، دلالی کتاب (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۲۱۸۹)، و دلالی سوخت (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۶۶) فعالیت داشتند. برای نمونه در اوایل دوره صفوی حدود ۶۷۵ نفر به شغل دلالی مشغول بودند (روح‌بخشان، ۱۳۸۶: ۴۱).

در دوره قاجار شواهد بیشتری از رواج و گسترده‌گی شغل دلالی در نظام بازار وجود دارد. میرزا حسین خان تحویلدار که در تاریخ ۱۲۹۴ ق شروع به تألیف کتاب *جغرافیای اصفهان* کرد، در توصیف اصناف بازار این شهر از چهار دسته در «جماعت دلال» نام می‌برد: ۱. دلال سوق الدواب که در بازار مال فروشان دلالی چهارپایان می‌کنند، ۲. دلال فواکه که در بازار میوه‌فروشان دلالی میوه‌جات می‌کنند، ۳. دلال مال‌التجاره که اجناس و اقمشه تجارته را دلالند، ۴. دلال تریاک که در سابق نبوده‌اند و این سنوات پیدا شده‌اند» (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۱۱۶-۱۱۷). ریش‌سفیدان صنوف نیز گاه نقش واسطه‌های تجاری را ایفا می‌کردند. آنان در برخی موارد، سفارش‌های تجار برای ساخت کالاها را به استادان پیشه‌ها می‌رساندند و پس از تحویل اجناس به تجار حق دلالی‌ای نصیب آن‌ها می‌شد. بعضی اوقات نیز بخشی از فروش اجناس را به صورت درصدی به خود اختصاص می‌دادند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۴۷). در برخی منابع قاجار، شواهدی از حضور آنها در دربار نیز دیده می‌شود. برای مثال به ارتباط و نفوذ برخی دلال‌ها با دربار و شاهان در مواردی مثل گرو گذاشتن جواهرات و املاک توسط ناصرالدین شاه، درباریان و اعیان و اشراف نزد دلال‌ها و کسب پول به واسطه آن (گوبینو، بی‌تا: ۳۸) و ارتباط دوستانه برخی دلال‌ها با شخص مظفرالدین‌شاه (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۷۴-۲۷۳) اشاره شده است.

دلال‌ها در این دوره در شاخه‌های مختلف فعال بودند و هریک تخصص خاص خود را داشتند؛ مثل دلالی رای (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۷: ۵۷۳۹-۵۷۴۱)، دلالی برات (جورابچی، ۱۳۶۳: ۲۱۱)، دلالی انواع اجناس (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۴۷۴)، دلالی انواع پارچه‌های ابریشم که فقط خودشان از خانه‌های اشراف به دست می‌آوردند (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۲۶)، دلالی در آب و زمین (اثر آفرینان، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۶) و دلالی سفر حجاج ایرانی (فراهانی، ۱۳۶۲: ۱۳۲ و ۱۴۰). در سال ۱۸۶۹م/۱۲۸۶ق در تبریز ۲۰۰ دلال فعالیت می‌کردند (جوادی، ۱۳۵۰: ۲۲۷).

گاه پای دلالان به عرصه سیاست نیز گشوده شده بود. در میان اسامی نمایندگان تهران در دوره اول مجلس شورای ملی، سیدمهدی دلال سقطفروش از نمایندگان پیشه‌وران و اصناف بود که با ۱۴۱ بار سخنرانی نقش فعالی در مجلس داشت (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۲۰). همچنین حاج ملاحسن وارث نماینده دلال‌ها و حاج شیخ حسینعلی دلال، نماینده کفش‌دوزها و پاره‌دوزها، نماینده دوره اول مجلس شورای ملی از تهران به‌شمار می‌رفتند

(میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۷۵۶). حاج شیخ مهدی وکیل‌الرعیایا نماینده همدان در دوره سوم مجلس، قبل از مشروطیت دلال امور تجاری بود (علوی، ۱۳۳۱: ۵۴۲). در برخی منابع از ستارخان، سردار ملی و ناجی مشروطه نیز به‌عنوان دلال اسب یاد شده است (شمیم، ۱۳۸۷: ۵۲۳).

در این میان، فراوانی تعداد دلالان یهودی در ایران و ورود آنان به منازل برای انجام معاملات، به‌ویژه زنان دلال به اندرونی خانه‌ها جالب توجه بوده است (آنه، ۱۳۶۸: ۵۹). حضور دلالان اصفهانی و فعالیت آنان در عرصه انواع جنس از جمله جواهرات و عتیقه توجه ناظران اروپایی را به خود جلب کرده است (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۸۷-۳۸۹). این دلالان عمدتاً یهودی بودند و روزهای شنبه کار نمی‌کردند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۸۹). فروش کالاهای کمیاب و فرش عموماً دست دلالان یهودی بود و بسیاری از آنها اجناس ارزنده و سفارشی را به‌ویژه برای فروش به مسافران اروپایی حمل می‌کردند (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۳۸-۴۳۷). در کرمان، یهودیان تهیدست‌تر از آن بودند که بتوانند تجارت کنند، بنابراین به دلالی می‌پرداختند (فلور، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۹).

شیوه کار حرفه‌ای دلالان

روش کار دلالان در دوره قاجار بسیار دقیق، منظم و سازماندهی شده بود و تا حدود زیادی سلامت و گردش نظام‌یافته کالا را در بازار امکان‌پذیر می‌کرد. دلالان روزنامه‌ای داشتند که در آن همه معاملات و نیز نام خریدار و فروشنده، محل اقامت، قیمت، مقدار و شرایط اعتبار و جز آن نوشته می‌شد. خریدار پای این ورقه فروش را مهر می‌کرد و این روزنامه می‌توانست در دادگاه به‌صورت مدرک قانونی عرضه شود. دلال برای تضمین بیشتر خریدار و فروشنده را وادار می‌کرد که پای قولنامه را امضا کنند یا انگشت بزنند. در این قولنامه هر دو متعهد می‌شدند که طبق شرایط مورد توافق طرفین عمل کنند. قولنامه برای دلال به‌منزله وکالت‌نامه‌ای بود که معامله را طبق شرایطی خاص منعقد کند. برای مثال در تبریز این قولنامه می‌بایست به تأیید کنسول تجار اروپایی و حکومت ایالتی می‌رسید تا به‌صورت یک مدرک مجاز درآید و در محاکم شرع قابل استناد و قانونی باشد (فلور، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۶). مراجعه دلال‌ها و واسطه‌ها به حجره تاجران و گفتگو با آنان به‌صورت یک برنامه روزانه و منظم بود که گاه تا نیمه روز به طول می‌انجامید (شهری، ۱۳۶۹، ج ۵: ۳۰۴). رویه کار این‌گونه بود که جنس قابل عرضه در حجره به نمایش گذاشته می‌شد

و سپس دلال‌ها برای خرید می‌آمدند و فرآیند خرید و فروش آغاز می‌شد (کسمائی، ۱۳۸۵: ۲۱۲).

براساس قوانین اسلام، آن طرف معامله که از دلال استفاده کند، باید حق‌العمل او را بپردازد، اما مطابق روند تجارت هر طرف معامله باید نصف این حق‌العمل دلال را بپردازد، مگر اینکه سر حق‌العمل دلال قبلاً توافق شده باشد. دلال بر تحویل کالایی که دلالی آن را کرده بود، نظارت می‌کرد، هر چند عملاً بسیاری از خریداران بهای کالا را از طریق دلال فروشنده می‌بایست به فروشنده بپردازند، اما براساس قوانین اسلام دریافت قیمت کالا توسط دلال جایز نبود (فلور، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۶). در عمل نیز «حق دلالی» از دو طرف خریدار و فروشنده دریافت می‌شد (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۸۵) و در موارد متعدد به اختلافات مالی بین دلال و یکی از طرفین معامله می‌انجامید (ساکما: ۲۹۸/۲۲۰۴).

برخلاف آنچه که درباره نقش مؤثر دلالان به عنوان واسطه در مبادلات تجاری گفته شد، در بسیاری موارد خریداران تلاش می‌کردند تا اجناس را پیش از افتادن به دست دلالان خریداری کنند تا قیمت تمام‌شده برایشان مناسب‌تر باشد (تهرانی، ۱۳۸۱: ۲۶۳). در واقع دلالان خود یکی از عوامل ایجاد بحران قیمت و اختلال در بازار محسوب می‌شدند. همچنین در مواردی، در افزایش کرایه‌های حمل‌ونقل و حق دلالی دریافتی از چپارداران و مکاربان که خود سبب افزایش قیمت بارها می‌شد، نقش داشتند (یزد در اسناد امین‌الضرب، ۱۳۸۰: ۲۶۷ و ۳۴۱) یا در بحران مواد غذایی یکی از عوامل افزایش قیمت محسوب می‌شدند (کاساکوفسکی، ۱۳۴۴: ۱۸۱). در غیاب تشکیلات مالیه و نظام کارآمد و منسجم مالیاتی، دلالان در وصول مطالبات نیز نقشی مخرب داشتند: درآمد مأخوذه از ولایات غالباً در مقابل حوالجات بی‌حساب مرکز برداشت می‌شد. مأخذ مالیات همان جزو جمع‌های قدیم بود، ولی برخلاف گذشته مسئول وصول و پرداخت، مقام مشخصی نبود و به همین دلیل غالب مالیات‌ها و حواله‌ها بدون وصول می‌ماند. این حوالجات به اصطلاح «بلامحل» همواره در حال افزایش بود. در اینجا دلالان وارد عمل می‌شدند و حواله‌ها را با کسر حداقل سی الی پنجاه درصد معامله می‌کردند (راوندی، ۱۳۵۹، ج ۴: ۱۰۵۴).

در بازارها فروش برخی اجناس از جمله اجناس عتیقه فقط با وساطت دلالان صورت می‌پذیرفت. در این موارد، تجار هم ترجیح می‌دادند تا اجناس خود را از طریق دلالان به فروش برسانند و در عمل، بدون دخالت دلالان خرید و فروشی در این زمینه انجام نمی‌شد

(دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۱۵). ناظران خارجی در ایران قیمت‌گذاری روی برخی کالاها از جمله شال، فرش و اسب را امری تخصصی می‌دانستند که با رجوع به دلالتان کاربلد امکان‌پذیر بود (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸۰). در دوره قاجار، هم تجار ایرانی و هم اروپایی توسط دلالتان دادوستد می‌کردند. دلالتی اجناس و کالاهای عتیقه و نفیس از جمله سکه‌ها و مدال‌های قدیمی، جواهرات حکاکی، سلاح‌های قدیمی، فلزکاری روی آهن، خاتم‌کاری، قلمدان‌های نقاشی‌شده، پارچه‌های نفیس و قلاب‌دوزی، نسخه‌های خطی و تذهیب، به‌ویژه به مشتریان خارجی از اهم فعالیت‌های دلالت‌ها بود (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۸۷-۴۰۲).

در دوره قاجار، اقداماتی مقطعی برای سامان دادن به امور تجاری صورت پذیرفت. در اواسط دوره قاجار، اعتضادالسلطنه وزیر علوم، تجارت و صنایع که جملگی یک وزارتخانه بودند، درصدد ساماندهی امور دلالتی و فعالیت آنها در تجارت کالا برآمد. برای نیل به این هدف، از فعالیت دلالتان بدون اعتبار جلوگیری شد؛ سمت «دلالت‌باشی» برای انتظام امور دلالتی تعیین گردید و قرار شد تا کالاهای تجار با اطلاع دلالت‌ها فروخته شود (روزنامه دولت علیه ایران، ش ۵۱۳، رجب ۱۲۷۸: ۳۳۳-۳۳۴). در خراسان و در اواخر دوره ناصری، باتوجه به اختلافاتی که «بی‌میالاتی جماعت دلالت» در امر تجارت به‌وجود آورده بود، تلاش‌هایی برای انتظام امور صورت گرفت و کتابچه‌ای شامل دستورالعمل دلالتی در این رابطه تدوین شد. نام و مشخصات دلالتان در دفتر مجلس تجارت ثبت و بررسی شد و آنان پس از تأیید صلاحیت می‌توانستند با درج مشخصات معاملات و دریافت نوعی جواز فعالیت به کار خود ادامه دهند. دلالتان موظف بودند جزئیات معاملات را ثبت کرده، ماهی یک‌بار به رئیس خود مراجعه کنند و گزارشی ارائه دهند. برای تقلب در دفتر معاملات، مجازات‌هایی همچون ممنوعیت از شغل دلالتی در نظر گرفته شد. حق دلالت تومانی ۲۵ دینار تعیین شد که از هر دو طرف خریدار و فروشنده دریافت می‌شد. در ضمن بر لزوم دریافت عین همان مبلغ نیز تأکید شده بود. در این کتابچه معاملات به سه نوع تقسیم شده است. این تقسیم‌بندی نقش دلالت‌ها را در انواع معاملات نشان می‌دهد. دلالت باتوجه به اطلاعات قبلی خود از طرفین معامله، اختیار داشت که مشتری و پرداخت وجه به خریدار را ضمانت کند و یا نکند، اما در همه این انواع معاملات به‌عنوان فردی که مشتری را به خریدار معرفی می‌کرد، در مقابل خریدار مسئول بود. براساس این کتابچه، دلالت‌ها اجازه حضور و دخالت در معاملات یکدیگر را نداشتند. دفتر معاملات تمام دلالت‌ها

می‌بایست توسط وزارت تجارت مهر می‌شد و نام دلال در مجلس تجار ثبت و ضبط می‌گردید (افشار، ۱۳۸۹: ۴۸۵-۴۸۱).

در دوره مظفیری نیز چندبار تلاش‌هایی برای محدود ساختن دلالان و یا انتظام امور دلالی صورت گرفت و امین‌الدوله، صدراعظم مظفرالدین شاه، فعالیت‌های دلالی و قپان‌داری را منع کرد. این روند باوجود رضایت مردم، تنها چند ماه طول کشید و سپس اوضاع به‌صورت پیشین بازگشت (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۲۲-۱۲۱). بار دیگر سعیدالسلطنه، رئیس نظمیۀ تهران، قپان‌داری و دلالی میدان و کاروانسراها را متوقف کرد و در تلاش برای کوتاه کردن دست دلال‌ها از معاملات، به قیمت‌گذاری و تنظیم بازار پرداخت و مقرر کرد که در معاملات ذغال و برنج مبلغی معادل پنج شاهی به کاروانسرادار پرداخت و دست واسطه و دلال از معاملات کوتاه شود. در اقدامی مشابه، میرزا جوادخان سعدالدوله، وزیر تجار، تلاش کرد تا امور دلالی در تهران را منظم کند. قرار شد که اجازه کار دلال‌ها در مجلسی، دست‌کم پانزده‌نفره، تأیید شود و برای فعالیت آنها مجوزی صادر گردد و بدون این مجوز از فعالیت آنها جلوگیری به‌عمل آید. دلال‌ها موظف به خرید دفترچه ماهانه از مجلس تجارت و ثبت خریدوفروش خود در آن بودند. حدود سه‌هزار نفر از نمایندگان دلال‌های تهران، برای جلوگیری از شفافیت میزان و مبلغ معاملات و فرار از پرداخت مبلغ کتابچه‌ها، در منزل آقاسیدهدای دلال اصفهانی در جستجوی راهی برای جلوگیری از به‌ثمر رسیدن این اقدامات جلسه‌ای تشکیل دادند (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲: ۸۱۸-۸۱۶). نیرالدوله، حاکم طهران، در شعبان ۱۳۲۴ق، دلالان را از دخالت در دادوستد صاحبان بارها و کاروان‌ها منع و مقرر کرد که صاحبان بارها آزاد باشند تا در هر زمان و مکان که لازم بدانند و بدون دخالت دلالان اجناس خود را به قیمت عادلانه به فروش برسانند (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۰۳۹). در شیراز، رئیس‌التجار تعداد دلالان را محدود کرد و همان سیاق تهیه کتابچه را برای آنان به‌کار گرفت. در این رویه، مقرر شد رفع و رجوع معاملات که بدون واسطه دلال انجام می‌شود، به مجلس تجار مرتبط نباشد و از طریق محاکم شرع حل‌وفصل شود. نیز مقرر شد در معاملاتی که دلال‌ها به‌کار گرفته می‌شوند، هر تومان، نیم‌شاهی به دلال‌ها و از همین مقدار، ده‌یک به رئیس‌التجار بدهند. تجار مخالف تصویب چنین رویه‌ای بودند و بیشتر تمایل داشتند که دادوستد از طریق شرعی انجام شود (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۱: ۱۸۷).

نحوه پرداخت مالیات دلالان در جایگاه یک گروه شغلی

چگونگی فعالیت دلالان در قالب صنف و اینکه آیا اصلاً آنها صنفی تشکیل داده بودند یا خیر، از جمله پرسش‌های مطرح در این حوزه است. از دیدگاه فلور، دلال‌ها، به‌ویژه آن‌دسته که اهمیت تجاری بیشتری داشتند، صنف تشکیل داده بودند و مؤسسات ویژه‌ای داشتند، اما به‌نظر می‌رسد در اواخر سده نوزدهم م سازمان‌های آنها متروک شده باشد (فلور، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۵). براساس قاعده، پرداخت مالیات صنفی یکی از وجوه ممیز اصناف از سایر گروه‌های شهری بود و اصولاً مالیات صنفی یکی از مهم‌ترین کارکردهای اصناف در جامعه شهری ایران تا سده سیزدهم بود. در دوره قاجار شواهدی اندک از پرداخت مالیات صنفی از سوی دلالان به‌عنوان مالیات مستقیم از جایگاه «صنف» وجود دارد (کمام: ۱۰۱۱-۴۳۳۰ و کمام: ۴/۳۸/۱۸/۴/۲۹۱). در این میان، مبلغی نیز با عنوان مالیات دلالی از سوی تجار و فعالان تجارت پرداخت می‌شد که نباید آن را با مالیات صنف دلال اشتباه گرفت؛ این نوع مالیات در دوره صفوی هم سابقه داشت. چنان‌که در دوره شاه‌صفی اول، تجار موظف بودند ۵/۰ درصد ارزش کالا را به‌عنوان حق دلالی به مقامات رسمی حکومتی تحویلدار، مستوفی و دیگر مقامات رسمی بپردازند (فلور^۱، ۱۹۹۸: ۱۵۱). مالیات دلالی نوعی مالیات غیرمستقیم بود که به‌صورت محلی یا ناحیه‌ای، تا زمان میلسپو^۲ جمع‌آوری می‌شد. در بندرعباس حدود ۲/۵ درصد از هر دو طرف خریدار و فروشنده به‌عنوان حق دلالی اخذ می‌شد. در ۱۹۲۳ م ۱۳۰۱/۱۳ عایدات این مالیات از ۵۰۰۰۰۰۰ قران گذشته بود (فلور، ۱۹۹۸: ۴۲۰). در همین سال، میلسپو شاهد کسری بودجه ۶ میلیون تومانی در ایران بود. به‌دلیل سازمان‌دهی مجدد وزارت مالیه، عایدی مالیات‌های غیرمستقیم کاهش یافت که به افزایش قیمت صادراتی تریاک و کاهش صادرات آن و در نتیجه کاهش عایدی تریاک در قپان و دلالی منتهی شد. دلالی در این زمینه شامل حق کمیسیون بود که برای فراهم آوردن وسایل حمل‌ونقل دریافت می‌شد (فلور، ۱۹۹۸: ۴۹۴). رویه بر این بود که تشکیلات مالیه هر محل این مالیات را سالانه به مبلغی مشخص اجاره می‌داد و دلال اجاره‌کننده، مبلغ را از تجار یک منطقه دریافت می‌کرد. خود این روند در موارد متعدد به اعتراض تجار منتهی شده بود (کمام:

1. Floor
2. Millspaugh

۵/۱۲۵/۲۰/۱/۴). در برخی موارد، دلالی بار تجاری توسط مالیه به مزایده گذاشته می‌شد و تجار با توجه به استفاده از وسایل حمل و نقل، در صورت استفاده و یا عدم استفاده از دلال، در صورت بارگیری مال التجاره موظف به پرداخت حقوق دلالی به اسم دولت بودند (کمام: ۴/۱۱/۱۰/۷۱/۲۳). گاه دارندگان وسایل حمل و نقل، مانند مکاری و شتردار، به طور مستقیم با اداره انبار غله دولتی طرف معامله نبودند و دلال به عنوان واسطه بین آنان و انبارهای مال التجاره دولتی مبلغی به عنوان حق الزحمه دریافت می‌کرد (کمام: ۵/۱۰۳/۱۳/۱/۱۵۳). به این صورت که یک دلال، عمل حمل و نقل و یا خرید و فروش تریاک را به مبلغی معین از دولت اجاره می‌کرد و در نهایت از حق دلالی‌ای که از تجار دریافت می‌کرد، مبلغی را نیز به عنوان مالیات دلالی به دولت می‌پرداخت. بنابراین، در عمل مبلغ دریافت شده از تجار افزایش می‌یافت. گاه بخش زیادی از عایدی دلال‌ها توسط دولت و با عنوان مالیات دریافت می‌شد، در حالی که مالیاتی برای دلال‌ها در مجلس وضع نشده بود (کمام: ۵/۱۳۹/۲۹/۱/۳۰). در موضوع حمل و نقل مال التجاره، دلال‌ها با در اختیار داشتن کاروان سرا و انبار کالا، هزینه حمل بار توسط مکاران و شترداران را افزایش داده، این افزایش را بر کرایه دریافتی از صاحبان کالا می‌افزودند و به این ترتیب در نظام توزیع و فروش کالا اختلال ایجاد می‌کردند (یزد در اسناد امین‌الضرب، ۱۳۸۰: ۳۴۱). در سال ۱۳۰۳ ش، مالیات دلالی در زمرة ۳۸ قلم مالیات غیرمستقیم و رایج در سرتاسر ایران قرار داشت (خسروانی، ۱۳۰۳: ۴)، اما در بسیاری موارد مقدار این مالیات را ادارات مالیه محلی به صورت سلیقه‌ای اعمال و دریافت می‌کردند (کمام: ۵/۱۴۲/۳۲/۱/۱۱). در اردیبهشت سال ۱۳۰۳، لایحه‌ای به مجلس تقدیم و طی آن قرار شد که وصول ۲۸ فقره مالیات‌های غیرمستقیم و ۱۴۹ فقره مالیات‌های مستقیم، ظرف یک سال پس از اجرای این قانون لغو شود. ۲۸ فقره مالیات غیرمستقیم در این لایحه شامل مواردی چون مالیات دلالی تریاک، دلالی مال التجاره و دلالی سوق‌الدواب بود (لوح، دوره ۵، جلسه ۱۵، سه‌شنبه ۱۰ برج ثور ۱۳۰۳، مطابق ۲۴ رمضان ۱۳۴۲). در این اثنا مجلس شورای ملی با شکایات متعدد از سوی تجار و اصناف در اعتراض به دریافت مالیات منسوخ دلالی مواجهه بود. در این شکایات، مواردی چون تأثیر سوء این مالیات بر تجارت جنوب کشور (۴/۱۱/۲۰/۱۲۵/۵)، وضع مالیات دلالی بر حمل و نقل اجناس تجاری توسط مالیه بدون اجازه و تصویب مجلس (۴/۱۱/۱۰/۷۱/۲۳) و درخواست ورود مجلس برای حل و فصل موضوع (۵/۱۳۹/۲۹/۱/۳۰) مطرح شده است. مجلس در پاسخ به این اعتراضات دریافت مالیات دلالی

را موقتاً متوقف و منوط به تصویب قوانین جدید کرد. براساس ماده چهارم قانون مالیات راه و الغاء عوارض و مالیات‌های بلدی- مصوب ۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۴، مطالبه و وصول مالیات‌ها و عوارضی چون باج راه، سوق‌الدواب، قپان، میزان‌داری و دلالی اعم از دلالی تریاک و حیوان و مال‌التجاره، لغو و اخذ مالیات مزبور مخالف با نص قانون تشخیص داده شد (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ ش، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۰) و دریافت حق دلالی توسط جماعت دلال از تجار و مکاربان نیز ممنوع شد (مختاری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۴۴).

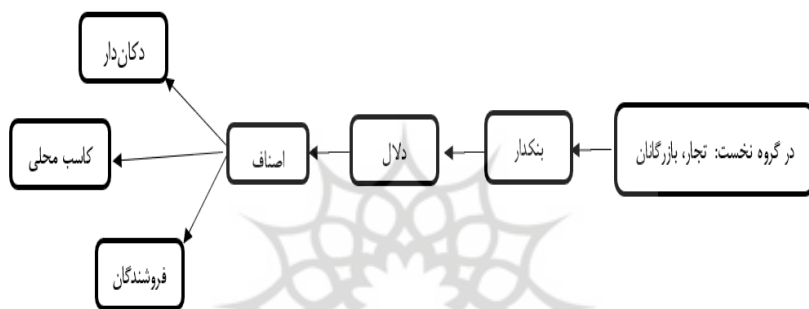
جایگاه دلالان در نظام بازار

در نظام بازار، برخی افراد بدون سرمایه نیز با استفاده از تخصص تجاری خود به‌طور مستقل به کار می‌پرداختند که نقش اصلی آنان «دالت» یا راهنمایی خریداران برای کالای مورد نیازشان بود و از همین‌رو دلال نامیده می‌شدند. البته افرادی بدون سرمایه نیز در بازار بودند که نقش آنان جز اخلال در جریان عادی تجارت نبود و «صعفوق» خوانده می‌شدند (پاکتچی، ۱۳۸۱، ج ۱۱: ۱۲۶). از این‌رو، می‌توان در میان دلالان تمایز قائل شد: یک دسته که مهارت و تخصصی در امور تجاری داشتند و به‌واسطه دانش تخصصی خود درباره کالاها درآمد کسب می‌کردند و دسته دیگر که صرفاً به‌واسطه اخلال در نظام توزیع از طریق احتکار، افزایش نامتعارف قیمت و موارد نظیر آن فعال بودند. در دوره قاجار، موقعیت دلال‌ها در ساختار اقتصادی در رده‌های پایین‌تر نسبت به تجار و بازرگانان بزرگ قرار می‌گرفت. البته در برخی مواقع نمی‌شد مرز مشخصی بین بخشی از تجار و واسطه‌ها و دلالان تعیین کرد، گاه تجار کوچک و واسطه‌های آنها «دلال» نام می‌گرفتند؛ کسانی که بدون کمک آنها معامله بزرگی انجام نمی‌شد و یک میرزا و دفتردار از ضروریات کارشان بود و حدود ۴۰۰ نفر از آنها در کار بودند (هولستر، ۱۳۵۵: ۱۱-۱۴).

گرینفیلد^۱ تقسیم‌بندی دقیق‌تری از ساختار سلسله‌مراتبی بازار در این دوره ارائه داده است. او به پنج گروه از کسبه شامل تاجر، بنکدار (موزع بازار)، صراف، دلال و فروشنده اشاره و تنها دو گروه اول (تاجر و بنکدار) را در ردیف تجار و بازرگانان قلمداد کرده است. تجار واقعی کسانی‌اند که خودشان به صدور و ورود کالا برای سود شخصی اشتغال دارند. عمده‌فروشان که به‌صورت واسطه بین تجار و خرده‌فروشان کار می‌کنند، به‌عنوان بنکدار و گاه تاجر شناخته می‌شوند، درحالی‌که خرده‌فروشان مانند صنعت‌گران برطبق

1. Greenfield

حرفه خود در زمره اصناف قرار می‌گیرند (فلور، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۵۲).
 با این تعریف، دلالان بین تجار و اصناف قرار می‌گیرند. واسطه‌ها یا دلالان نباید با حق‌العمل کاران اشتباه شوند. دلال برخلاف حق‌العمل کار ضرورتاً در یک تجارت معین تخصص نداشت و فعالیت تجاری‌اش مبتنی بر محاسبه وضع بازار و پیشینه ساختن سود کوتاه‌مدتش بود. البته موقعیت دلال‌ها ناپایدار بود، زیرا آنها کالاها را می‌خریدند و خطرات احتمالی را هم باید متحمل می‌شدند (کشاوریان، ۱۳۹۹: ۱۲۶).
 این مجموعه را می‌توان به شکل زیر نشان داد:



چنان‌که اشاره شد، دلالان همواره به‌عنوان یکی از اختلال‌گران در نظام بازار شناخته شده‌اند. اصطلاح دلالی علاوه بر مفهوم تجاری، در اقتصاد جامعه امروزی به معاملاتی اطلاق می‌شود که خریداران بدون هیچ‌گونه تغییری در کالای خریداری شده، صرفاً با بهره‌گیری از عدم تعادل عرضه و تقاضا، کالایی را عیناً با سود کلان به دیگری می‌فروشند و در سیستم توزیع اختلال می‌کنند، طوری که کاربرد اصطلاح دلالی در این معنا، شایع‌تر از معنای دقیق تجاری آن شده است (قهرمانی، ۱۳۸۳: ۷۳). دلال‌ها در مقایسه با بازرگانان، عمده‌فروشان و حق‌العمل کاران جوان‌تر بودند، کسب‌وکار خود را با سرمایه اندکی شروع می‌کردند و تماس‌های خانوادگی اندکی در تهران و بازار داشتند. آنها با تحمیل قیمت‌های گزاف، تعادل بازار را به هم می‌زدند و با ارائه اجناس بد با قیمت گران حسن شهرت بازرگانان را خدشه‌دار می‌ساختند (کشاوریان، ۱۳۹۹: ۱۲۶).

گاه دلالان به عناوین مختلف مرتکب جرم و کلاهبرداری نیز می‌شدند. نمونه‌های فراوانی از این جرائم در اسناد ثبت شده است. در یک نمونه، دلال مبلغی را برای خریداری شکر از تاجری دریافت کرده و سپس متواری شده است و در دستگیری توسط نظمی به جرم خود اعتراف کرده است (کمام: ۴/۳۰/۱۶/۲/۵۳). از سوی دیگر، مواردی از شکایت دلالان مبنی بر عدم پرداخت حق دلالی آنان از سوی افراد و تجارخانه‌ها نیز در دست است (ساکما: ۲۹۸/۲۲۰۴) و (ساکما: ۲۹۸/۶۴۳۰).

تجار کوچک، فروشندگان کنارگذر در یک بازار شهری، دلال‌ها و تاجران سیار در یک ویژگی مشترک بوده‌اند و آن نداشتن دسترسی به منابع قدرت بوده است (بونین، ۱۳۸۶: ۱۱۴). از سوی دیگر، ممکن است زمانی تاجران یا مالکان کالا با حذف دلال خود مستقیماً وارد معامله شوند یا دلالان در جایی نقش تاجر را ایفا کنند. با چنین تفکیک وظایف و موقعیت روشن می‌شود که موضوع تجارت در نظام سرمایه‌داری کسب سود هرچه بیشتر است و در این تصویر کلی تاجران و بازرگانان در مقام سرمایه‌دار در حوزه تجارت نقش اصلی را ایفا می‌کنند و دلالان و واسطان نقش روان‌کننده گردش کالا و خدمات را برعهده دارند و به‌مثابه مشاور و کارگزار بازرگانان و تاجران ظاهر می‌شوند. بنابراین، در نقد نظام توزیع کالا و خدمات سرمایه‌داری نمی‌توان نقایص را تنها متوجه دلالان کرد و تاجران را از آن مبرا دانست (میثمی، ۱۴۰۱: ۴۰).

دلال‌ها خود طبقات و درجات مختلف داشتند و همه در یک رده نبودند. در سال‌های ۱۲۶۹-۱۳۲۰ ق شغل دلالی به‌عنوان یکی از مشاغل خدماتی در بازار تهران توصیف شده بود (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۱۱ و ۱۱۴). برخی تاجر سرشناس و عمده، دلال و یا دلالان مخصوص خود را استخدام می‌کردند. برای نمونه، حاجی محمد ابراهیم دلال اصفهانی، دلال مخصوص تجارتخانه حاجی امین‌الضرب بود (کسمائی، ۱۳۸۵: ۲۶). دلالان عمده شهرها بر دیگر هم‌صنفان خود ریاست داشتند و مقام دلال‌باشی در برخی از شهرها وجود داشت. دلال‌باشی‌ها در حکومت صاحب مقامی بودند و جزء طبقه متنفذ شهر محسوب می‌شدند، نه طبقه کارگران (فلور، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۶). این دسترسی به منابع قدرت، بیشتر به طیف‌های رده‌بالای دلال‌ها از جمله دلال‌باشی‌ها اختصاص داشت و شامل دلالان خرده‌پا نمی‌شد.

«دلال‌باشی» از جمله مناصبی بود که اعتمادالسلطنه آن را در ردیف مشاغل دربار ناصرالدین‌شاه ذکر کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۱۳). نفوذ و قدرت دلال‌باشی به او

امکان می‌داد که بهتر از تشکیلات اروپاییان منافع تجاری آنها را حفظ کند. دلال‌باشی در برخی موارد از سوی وزارت تجارت منصوب می‌شد (افشار، ۱۳۸۹: ۴۸۱). او مقامی دولتی داشت و در عین حال مرجعی برای نظارت بر فعالیت دلال‌ها بود. علاوه بر این، از اوایل قرن نوزدهم م به بعد، از مالیات دلالی که در حوزه دلال‌داری به کالاهای مشمول فروش تعلق می‌گرفت، مبلغی سهم دلال‌باشی بود. به محض اینکه کالا به فروش می‌رسید، حق دلالی آن به دلال‌باشی پرداخت می‌شد. وظیفه دلال‌باشی ممیزی کالاهایی بود که برای صدور به بندر می‌رسید (غیر از کالاهای سفارشی و امانتی). نرخ دریافتی دلال‌باشی معمولاً نیم درصد بود (فلور، ۱۹۹۸: ۳۷۶).

از نیمه دوره قاجار، برای هربار کالای صادر شده از جنوب باید حق دلالی پرداخت می‌کردند که این حق به دلال‌باشی داده می‌شد. در بوشهر، «دریاییگی» (لقب جمع‌آوری‌کننده دولتی مالیات) به عنوان نماینده دولت موظف بود مقدار ۲۵۰۰ تومان عوارض دلالی، سرریگی و قپان‌داری جمع‌آوری کند. در بندرعباس، حق انحصاری بازرسی و ممیزی کلیه کالاهای از جمله آنچه برای حراج و صادرات به بندرعباس می‌آمد، در اختیار دلال‌باشی قرار داشت. در هر معامله، دلال‌باشی مالیات یا کمیسیون با عنوان «دلالی» دریافت می‌کرد که نرخ آن از ۲/۵ تا ۱۰ درصد در نظر گرفته شده بود. مقامات دولتی در این شهر مقام دلال‌باشی را به عبداللطیف علی، نماینده و نواده معین‌التجار بوشهری، واگذار کرده بودند که رقمی معادل ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تومان بری او سود داشت، در حالی که فقط ۲۵۰۰ تومان از این مقدار به دولت می‌رسید. این نرخ دلالی که از کشتی‌ها و کاروان‌ها دریافت می‌شد، براساس میزان نفوذ و توانایی افراد برای اعتراض متغیر بود (گلیدو-نیوکامن، ۱۹۰۶: ۳۹).

در اوایل سده سیزدهم سازمان اقتصادی بازار براساس ساختار و کارکردهای کهن عمل می‌کرد، اما ناگهان مجبور به تعامل با ساختارهای نهاد رقیب شد؛ نهادی که در مناسبات جدید سرمایه‌داری بالیده بود و از توانمندی‌های رقابت‌ناپذیری برخوردار بود. برای مثال، تجار بزرگی که طی قرون متمادی بیشترین سرمایه را در اختیار داشتند و از نفوذ بلامنازعی در بازار برخوردار بودند، در برابر توانایی‌ها و کارایی شرکت‌های تجاری و مؤسسات مالی جدید غرب امکان رقابت‌ناچیزی داشتند و به تدریج عرصه‌هایی از حوزه

فعالیت سنتی خود را در بازارها به رقبای جدید واگذار کردند تا بخشی از گروه‌های بازار به‌عنوان نمایندگان بازرگانی عوامل خارجی درآیند و به ضرر ساختمان اقتصادی بازار و اقتصاد ملی عمل کنند. در این میان، حتی برخی از تجار بزرگ نیز به واسطه‌گری در شرکت‌های تجاری خارجی تن در دادند. تأثیر چنین دگرگونی‌هایی در گروه دیگری چون بنکداران و دلالان و همین‌طور سایر گروه‌های فعال در بازار چشمگیر بوده است (سرگذشت بازار بزرگ تهران، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۶). با ادامه فعالیت شرکت‌های بازرگانی اروپایی در ایران، گروهی از دلالان ظاهر شدند که به‌عنوان دلال بومی و محلی به مباشرت بازرگانی آن شرکت‌ها و انجام معاملات با خریداران اجناس تجارت‌خانه‌های خارجی می‌پرداختند و عهده‌دار یافتن مشتری، ترتیب معاملات، شرایط خرید و فروش و توجه به تضمین پرداخت‌ها بودند. در مقابل، یک یا نیم درصد از معامله را به‌عنوان حق‌الزحمه دریافت می‌کردند. دلال حقوق خود را، چه در صورت سود و چه زیان، دریافت می‌کرد و مسئول پرداخت حقوق نبود، از این رو، این مقام طالبان زیادی داشت. بیشتر کالاها توسط صادرکننده به واسطه‌ها (بنکدار) واگذار می‌شد و آنها کالاها را به خرده‌فروش‌ها یا خریداران داخل کشور می‌فروختند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۶۷-۱۶۵). بانک‌های خارجی نیز هرکدام دلال خاص خود را داشتند. آقامحمدرضا، تاجر کاشانی، دلال بانک روس بود و در تهران با بسیاری از رجال مراوده داشت (ساکما: ۳۶۰۰۴۳۹۱). حق دلالی برای بانک شاهی در یک مورد هزار تومان بود که مبلغی قابل توجه به‌شمار می‌رفت (کسمائی، ۱۳۸۵: ۲۵۸).

ویژگی‌های شخصیتی و پایگاه اجتماعی دلالان

از گذشته تا به امروز، در فرهنگ عامیانه، نظر مثبتی نسبت به دلالی وجود ندارد و آنان عمدتاً پایگاه اجتماعی مناسبی نداشته‌اند. عموم مردم دلال را فردی می‌دانند که بدون رنج و زحمت و داشتن مهارت، سود کلان می‌برد. دلالی از جمله مشاغل بود که حسن شهرت نداشت و منفور به‌شمار می‌رفت. در مذمت دلال و فرهنگ دلالی گفته می‌شد: هرکس سرمایه‌ای دارد و سرمایه دلال دروغ است (زرین‌کوب، ۱۳۶۰: ۴۵۰). دلالان در برخی مناطق شهرت بدی در نیرنگ و حيله‌گری داشتند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۴۰). در حالی که براساس قاعده می‌بایست اعتبار و خوش‌نامی صفت مهمی برای حسن انجام چنین کاری به‌شمار

می‌رفت. با تحقیق در فتوت‌نامه‌ها که یکی از منابع مهم بازتاب‌دهنده شرایط و ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه ایرانی است، می‌توان تصویری بهتر از پایگاه اجتماعی دلالان به‌دست آورد. در فرهنگ جوانمردان، این اعتقاد وجود داشت که دوازده فرقه از جمله دلالان سزاوار جوانمردی و فتوت نیستند (نفیسی، ۱۳۶۸: ۱۳۸-۱۴۳). در این فرهنگ به برخی گروه‌ها و افراد شد داده نمی‌شد، از جمله افراد مشرک و کافر، رمالان، شراب‌خواران و «دلال دروغگو و بی‌انصاف» (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۳۷). نظامات فتوت که تشکیلات خاص خود را داشت و از قرن هفتم اصناف و پیشه‌های زیادی را به خود جذب کرده بود، وابستگان بعضی اصناف مانند قصاب، جولا، دلال، دلاک جراح و غیره را از عضویت در گروه فیتان منع می‌کرد (ریاض، ۱۳۸۲: ۱۱۳). در فتوت‌نامه ناصر سیواسی، مربوط به قرن هفتم، دلالان در زمره افراد ممنوعه برای پیوستن به جرگه فتوت قرار گرفته‌اند و اشعار زیر در ذم آنان سروده شده است (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۶۲):

هم‌چنان دلال مرد بی‌وفاست در متاع مردمان صاحب‌جفاست
بهر سود اندک خود هر زمان آورد بر خلق بسیار از زیان
چونکه سودش در زیان آشناست از فتوت کار و بار او جداست

باوجوداین، دلالان برای خود پیری در فتوت قائل بودند (شیخلی، ۱۳۶۲: ۱۸۵). در برخی منابع به ویژگی‌های لازم و ضروری در زمینه اخلاق حرفه‌ای دلالان اشاره شده است، از جمله شرایط معامله مجاز برای دلالان و ضرورت نظارت محتسب در این زمینه که به این صورت بوده است: «دلال باید متدین و امین باشد و کسانی از ثقات عادل و اهل خیرت که شهادتشان پذیرفته می‌شود، در حضور محتسب به دین‌داری و امانت و صداقت وی در شغل دلالی شهادت دهند، زیرا کالای مردم به‌دست ایشان است و فروشندگان ایشان را امین می‌شمارند...» (ابن‌خوه، ۱۳۶۰: ۱۳۵-۱۳۶). کیفیت معامله و راه و رسم چانه‌زدن دلال و تلاش وی در اقناع خریدار و فروشنده برای ناظران غربی جالب بوده است (موریه، ۱۳۷۶: ۱۳۵). همچنین ویژگی‌های شخصیتی دلالان از جمله زیرکی و کیاست، وقت‌شناسی و خوش‌صحبتی، قدرت روان‌شناسی افراد (گویینو، بی‌تا: ۳۸)، نیرنگ‌بازی، شناخت فوت‌وفن معامله و در اصطلاح، قالب کردن اشیاء به خریداران (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۳۵ و ۲۴۲)، قدرت ذهن‌خوانی، روان‌شناسی ذاتی و سماجت آنان (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۸۵) مورد توجه بوده است. شاردن دلالان را چرب‌زبان‌ترین، دروغ‌زن‌ترین،

فریب‌کارترین و دغل‌کارترین افراد جامعه می‌شمرد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲: ۸۹۹-۹۰۰). آنه اشاره کرده است که در ایران دوره قاجار، مثل گذشته، همه کارها به‌دست دلال‌ها انجام می‌شود، مردمی که با «نمایش مضحک» برای فروش یک جنس، در نرمش و نکته‌سنجی و جاکردن خود نزد دیگران بسیار ماهرند و چک‌و‌چانه زدن با آنها کاری پیچیده و مستلزم حوصله زیاد است (آنه، ۱۳۶۸: ۵۶-۵۸). آنها با مهارتی خاص، از ایماء و اشاره و انگشتان دست برای قیمت‌گذاری و تلاش برای فریب دادن مشتری استفاده می‌کنند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۰۰-۹۰۱). دلال‌ها از گذشته تاکنون در داخل و بیرون بازار بدنام بودند. در بیرون بازار، به‌دلیل احتکار، تثبیت قیمت و فریب‌کاری، و در درون بازار به‌سبب نداشتن خبرگی، اخلاقیات و اعتبار مورد سرزنش مردم و دولت و تمسخر بازاریان بودند (کشاورزیان، ۱۳۹۹: ۱۲۶). با این حال، دلالان را از باهوش‌ترین بازاری‌ها دانسته‌اند، زیرا مسلط به کار و آشنا با آن بودند، فعالیت‌های چندجانبه تجاری داشتند و هرکدام در واسطگی یک یا چند رشته تخصصی، از جمله صادرات و واردات، کلی‌فروشی، تجارت پول و تجارت با شهرستان‌ها مهارت داشتند. این افراد در تمام بازار شناخته‌شده بودند و بسیاری از معاملات به‌ویژه معاملات با شهرستان‌ها بدون وجود آنها انجام‌پذیر نبود (جباری، ۱۳۷۹: ۷۶-۷۷).

نتیجه‌گیری

دلالی از مشاغلی بود که با رشد و گسترش شهرها و بازارهای شهری، تکوین یافت و دلالان به‌عنوان یکی از عناصر اصلی نظام توزیع در بازار با ایفای نقش واسطه در مبادلات بازرگانی، روند توزیع و مبادله کالا را تسهیل می‌کردند. این گروه در بازارهای جهان اسلام و ایران، حضوری پررنگ و مشهود داشتند، اما نسبت به این حضور در میان جامعه چندان نظر مثبتی وجود نداشت و در داخل و بیرون بازار چندان خوش‌نام نبودند.

در همان حال، در بسیاری موارد از جمله بحران‌های اجتماعی و ناکارآمدی‌های اقتصادی، نقشی مخرب در نظام توزیع و مبادله کالا داشتند و با به‌جیب‌زدن سودهای سرشار به‌دفعات موجبات برهم خوردن تنظیم مبادلات بازار را فراهم می‌کردند. دلالان در زمینه‌های مختلف مبادله کالا و امر واسطه‌گری آن تخصص داشتند و گاه بسیاری از

کالاها، از جمله اشیای نفیس، بدون دخالت آنان مبادله نمی‌شد. در این دوره، اقداماتی به منظور تنظیم امور بازار از سوی متولیان صورت گرفت که از جمله آنان انتظام شغل دلالی و تلاش برای مهار دلالان از دخالت در بازار بود. چنان که مشخص است، آنچه به عنوان حق دلالی و یا مالیات دلالی دریافت می‌شد، شامل مبلغی بود که به طور عمده از تجار دریافت و سهم دلالان و دولت می‌شد.

دلالان در میانه ساختار نظام توزیع کالا در بازار قرار داشتند و از یک سو با تجار و حق‌العمل‌کاران و از سوی دیگر با خرده‌فروشان و کاسبان خرد سروکار داشتند. دلالان اگرچه از جنبه موقعیت و پایگاه شغلی با گروه‌هایی مانند تجار فاصله بسیار داشتند، می‌توان آنان را در زمره عوامل مؤثر بر ساختار اقتصادی بازار قلمداد کرد، چنان که نقش و اهمیت آنان در به انجام رساندن معاملات اقتصادی مشهود است.

باتوجه به مجموعه نکات مطرح شده می‌توان سوء شهرت اجتماعی دلالان در داخل و خارج از بازار را پدیده‌ای تاریخی دانست که ریشه در نقش مخرب آنان در نظام اقتصادی این سازمان داشته است.

با این حال، دلالی برخلاف باور عموم یک حرفه محسوب می‌شد که دارای صنف جداگانه بود، مالیات می‌پرداخت و در ساختار بازار نقش آفرینی می‌کرد. براساس شواهد، باید میان آن دسته از دلالان که مهارت و تخصصی در امور تجاری داشتند و به نحوی به واسطه دانش تخصصی خود درباره کالاها درآمد کسب می‌کردند و کسانی که صرفاً به واسطه اخلال در نظام توزیع از طریق احتکار، افزایش نامتعارف قیمت و موارد نظیر آن فعال بودند، تمایز قائل شد.

براین اساس، برخی از دلالان حرفه‌ای در برخی حوزه‌ها تخصص و مهارت داشتند و بابت آن مورد رجوع گروه‌های فعال در بازار از جمله تجار قرار می‌گرفتند.

باید در نظر داشت که به طور قطع، نفوذ و قدرت دلالان در مقایسه با تجار و بازرگانان کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر بود، اما بسیاری از کاستی‌ها و اختلالات اقتصادی به پای آنان نوشته می‌شد، در حالی که در موارد متعدد تجار بزرگ نیز خود در نقش واسطه‌گری کالاها ظاهر می‌شدند و به احتکار و تورم دامن می‌زدند.

ابن اخوه، محمد بن محمد (۱۳۶۰). آیین شهرداری. تصحیح جعفر شعار. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷). اینجا طهران است. تهران: نشر تاریخ ایران.

اثرآفرینان: زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران (۱۳۷۹). زیر نظر کمال حاج‌سیدجوادی با همکاری عبدالحسین نوایی، تکمیل و انجام: حسین محدث‌زاده و حبیب‌الله عباسی. ج ۴. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

اشرف، احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران. تهران: پیام.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۳). چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (مآثرالآثار). استخراج و تنظیم ایرج افشار. تهران: اساطیر.

افشار، ایرج (۱۳۸۹). دفتر تاریخ (دفتر چهارم). چاپ اول. تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمد افشار یزدی.

انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. ج ۴. تهران: سخن.

اورسل، ارنست (۱۳۵۳). سفرنامه اورسل. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: زوار.

آنه، کلود (۱۳۶۸). اوراق ایرانی. ترجمه ایرج پروشانی. تهران: معین.

بدیعی، ربیع (۱۳۶۲). جغرافیای مفصل ایران. ج ۳. تهران: اقبال.

بروگش، هینریش کارل (۱۳۶۷). سفری به دربار سلطان صاحبقران: ۱۸۵۹-۱۸۶۱. ترجمه کردیچه. تهران: اطلاعات.

بونین، مایکل ای (۱۳۸۶). تجار کوچک در ایران. ترجمه علی‌محمد طرفداری. بررسی‌های نوین تاریخی، ۳ (۳)، ۱۰۶-۱۲۲.

پاکتچی، احمد (۱۳۸۱). نظام و روابط درونی بازار. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. ج ۱۱. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۲۴-۱۲۷.

پورحسینی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). فرهنگ اصطلاحات مردم کرمان. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.

تنوی، احمد بن نصرالله، و قزوینی، آصف‌خان (۱۳۸۲). تاریخ الفی. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. ج ۳. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

تحویلدار، میرزا حسین‌خان (۱۳۴۲). جغرافیای اصفهان. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: انتشارات

دانشگاه تهران.

تهرانی (میرخانی)، مصطفی (۱۳۸۱). سفرنامه گوهر مقصود. به کوشش زهرا میرخانی. تهران: میراث مکتوب، سازمان میراث فرهنگی.

جباری، مینا (۱۳۷۹). همیشه بازار. تهران: آگه.

جعفریان، رسول (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست. ج ۱. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

جوادی، شفیق (۱۳۵۰). تبریز و پیرامون. تبریز: بنیاد فرهنگی رضا پهلوی.

جورابچی، محمدتقی (۱۳۶۳). حرفی از هزاران کاندید عبارت آمد: وقایع تبریز و رشت. به کوشش علی قیصری. تهران: نشر تاریخ ایران.

خسروانی، محمد میرزا (۱۳۰۳). مالیات‌های غیرمستقیم در ایران. علوم مالیه و اقتصاد، (۲).

دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. محمدعلی فرهوشی. تهران: امیرکبیر.

دایرةالمعارف زن ایرانی (۱۳۸۲). به سرپرستی مصطفی اجتهادی. ج ۱. تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور مشارکت زنان و خانواده.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

راوندی، مرتضی (۱۳۵۹). تاریخ اجتماعی ایران. ج ۴ (بخش دوم). تهران: امیرکبیر.

روح‌بخشان، ع (۱۳۸۶). مشاغل جامعه روزگار صفویان در کتاب تحفه سامی. بررسی‌های نوین تاریخی، ۳ (۳)، ۴۱-۴۵.

ریاض، محمد (۱۳۸۲). فتوت‌نامه، تاریخ، آیین، آداب و رسوم. به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. تهران: اساطیر.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۰). تاریخ ایران. تهران: امیرکبیر.

سپهر، عبدالحسن خان (۱۳۸۶). مرآت‌الوقایع مظفری. تصحیح عبدالحسن نوایی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

سرگذشت بازار بزرگ تهران، بازارها و بازارچه‌های پیرامونی آن در دو بیست سال اخیر (۱۳۸۹).

پژوهش گروهی بنیاد ایران‌شناسی. مدیر طرح: شهرام یوسفی‌فر. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.

سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۶۱). وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس

در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ق. به کوشش سعیدی سیرجانی. تهران: نشر نو.

شاردن، ژان (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمائی. ج ۲. چاپ اول. تهران: توس.

- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۷). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: بهزاد.
- شهری، جعفر (۱۳۶۹). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*. تهران: رسا.
- شیخلی، صباح ابراهیم سعید (۱۳۶۲). *اصناف در عصر عباسی*. ترجمه هادی عالمزاده. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- علوی، میرزا ابوالحسن (۱۳۳۱). *رجال صدر مشروطیت*. یغما، (۵۷)، ۴۶۳-۴۶۷.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار. ج ۷. تهران: اساطیر.
- فراهانی، میرزا محمدحسین (۱۳۶۲). *سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی*. به کوشش مسعود گلزاری. تهران: فردوسی.
- فلور، ویلم (۱۳۶۵). *تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. ترجمه ابوالقاسم سری. ج ۲. چاپ اول. تهران: توس.
- قهرمانی، نصرالله (۱۳۸۳). *ماهیت حقوقی دلالی در حقوق تجارت*. کانون وکلا، (۱۸۴ و ۱۸۵)، ۷۲-۸۸.
- کاساکوفسکی، ولادیمیر آندری پویچ (۱۳۴۴). *خاطرات کنل کاساکوفسکی*. ترجمه عباسقلی جلی. تهران: امیرکبیر.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۷). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کرمانی، افضل الدین ابوحامد احمد (۱۳۵۶). *عقدالعلی للموقف الاعلی*. تصحیح: علی محمد عامری نائینی. تهران: روزبهان.
- کسمائی، ابوالقاسم، ۱۳۸۵. *خاطرات ابوالقاسم کسمائی*. تهران: قطره.
- کشاوریان، آرنگ (۱۳۹۹). *بازار و دولت در ایران*. ترجمه ابراهیم اسکافی. تهران: شیرازه.
- گوبینو، ژوزف آرتور (بی تا). *سه سال در ایران*. ترجمه ذبیح الله منصوری. بی جا: فرخی.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۹). *فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن*. ترجمه توفیق ه. سبحانی. تهران: روزنه.
- ماهوان، احمد (۱۳۸۵). *بازار در فرهنگ و ادب ایران زمین*. مشهد: ماهوان.
- مختاری، رضا (۱۳۸۰). *اسنادی از انجمن های بلدی، تجار و اصناف*. ج ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین. ج ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منفرد، افسانه (۱۳۹۲). دلال. دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ج ۱۸، تهران، ۲۰-۲۲.
- موریه، جیمز (۱۳۷۶). حاجی بابا اصفهانی. ترجمه مهدی افشار. تهران: علم.
- موسی پور بشلی، ابراهیم (۱۳۹۵). دین و زندگی روزانه. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- میثمی، مجتبی (۱۴۰۱). دلال و دلای. مجله مروارید، ۱۲(۲۵)، ۴۰-۴۵.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴). مذاکرات مجلس اول (۱۳۳۶-۱۳۳۴). تهران: مازیار.
- میلسپو، آرت چستر (۲۵۳۶). مأموریت آمریکایی‌ها در ایران. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: پیام.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی عامیانه. ج ۲. تهران: نیلوفر.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان (۱۳۶۲). خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی. تصحیح معصومه مافی و منصوره اتحادیه. ج ۱. چاپ دوم. تهران: نشر تاریخ ایران.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۸). سرچشمه تصوف در ایران. تهران: فروغی.
- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۳). تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه. به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام. نشر زرین.
- هولستر، ارنست (۱۳۵۵). ایران در یکصد و سیزده سال پیش. ترجمه محمد عاصمی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- یزد در اسناد امین‌الضرب (۱۳۸۰). به کوشش ایرج افشار و اصغر مهدوی. تهران: طلایه.

Floor, W. (1998). *A fiscal history of iran in the Safavid and Qajar periods. 1500-1925*. New York: persica press.

Gleadowe-Newcomen, A. H. (1906). 'Report on the British Indian Commercial Mission to South-Eastern Persia during 1904-1905, [79r] (162/176), British Library: India Office Records and Private Papers, IOR/L/PS/20/71, in Qatar Digital Library<https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc_100035458613.0x0000a3> [accessed 2 August 2022], p39.

نشریات:

روزنامه دولت علیه ایران (۱۳۷۰). مدیر و نقاش ابوالحسن خان صنیع‌الملک. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

قوانین:

لوح مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و اسلامی. مرکز پژوهش‌های کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۰ (۱۳۸۸). تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

اسناد:

مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی با نام مخفف «کمام» و شماره اسناد:
(۴۳۳-۱۰۱۱)، (۴/۳۸/۱۸/۴/۲۹۱)، (۵/۱۲۵/۲۰/۱/۴)، (۴/۱۱/۱۰/۷۱/۲۳)، (۵/۱۰۳/۱۳/۱/۱۵۳)،
(۵/۱۳۹/۲۹/۱/۳۰)، (۵/۱۴۲/۳۲/۱/۱۱)، (۴/۱۱/۱۰/۷۱/۲۳)، (۴/۱۱/۱۰/۷۱/۲۳)، (۵/۱۳۹/۲۹/۱/۳۰)،
(۴/۳۰/۱۶/۲/۵۳)
آرشیو ملی ایران با نام مخفف «ساکما» و شماره اسناد:
(۲۹۸/۲۲۰۴)، (۳۶۰۰۰۴۳۹۱)، (۲۹۸/۲۲۰۴)، (۲۹۸/۶۴۳۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی